"بسم الله الرحمن الرحیم"

موضوع کنفرانس: تـقیـــــه

ارائه دهنده: أبـوفِـراس | @ABU_FERAS_110

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴



https://t.me/Avardgahe_Andisheha

آوردگاه اندیشه ها

أعوذبالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدالله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین (ع)❤️

سلام عرض می کنم خدمت خوانندگان گرامی

- **اعتقاد ما درباره آموزه تقیه:**

ما معتقدیم: هرگاه انسانی در میان افراد متعصّب و لجوج و بی‌منطق گرفتار شود که اظهار عقیده در میان آنان، سبب خطر جانی یا مانند آن گردد و از این اظهار عقیده فایده مهمّی حاصل نشود، در چنین موردی موظّف است عقیده خود را مکتوم دارد، و جان خود را بیهوده بر باد ندهد، و نام این کار را «تقیّه» می‌گذاریم و این مسأله را از دو آیه در قرآن مجید و دلیل عقل آموخته‌ایم.

📚اعتقاد ما صفحه ۱۰۲

ابتدا معنای تقیّه در لغت را عرض می کنیم:

تقیّه در لغت با تقاة و اتقاء و تقوی(تحفظ ، صیانت)یکی دانسته شده است.

التُّقَاةُ: التَّقِيَّةُ

📚الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية جلد : ۶ صفحه : ۲۵۲۷

و نیز ر.ک:

📚لسان العرب جلد : ۱۵ صفحه : ۴۰۲

- **و اما تقیّه در اصطلاح شیعه و سنی:**

قال الشيخ المفيد التقية كتمان الحق و ستر الاعتقاد فيه و مكاتمة المخالفين و ترك مظاهرتهم بما يعقب ضررا في الدين أو الدنيا و فرض ذلك إذا علم بالضرورة أو قوي في الظن فمتى لم يعلم ضررا بإظهار الحق و لا قوي في الظن ذلك لم يجب فرض التقية.

گفته است شیخ مفید رحمة اللّه تعالى که تقيه كتمان حق و پوشیده داشتن اعتقاد در آن است و متعرض نشدن مخالفين و ترک یاری نمودن با ایشان به چیزی که به عقب در آورد ضرری را در دين و دنيا و فرض تقيه وقتی است که بداند بالبديهة و يا مظنه قوى يعنى بر ضرر بهم رساند پس هر زمان که نداند ضرری را در اظهار حق و نه مظنه قوى در آن داشته باشد واجب نباشد فرض تقيه و بتحقيق که امر نموده‌اند...

تصحيح اعتقادات الإمامية صفحه : ۱۳۷

شهید اول می نویسد:

و التقية: مجاملة الناس بما يعرفون، و ترك ما ينكرون، حذرا من غوائلهم. كما أشار إليه أمير المؤمنين عليه السلام

و تقیه همراهی و هم‌کلامی با مردم در آنچه عقیده دارند و ترک آن‌چه منکرند به خاطر دوری از شرور آنها می باشد.

القواعد و الفوائد جلد : ۲ صفحه : ۱۵۵

و اما تعریف تقیّه در کلام اهل سنت:

التَّقِيَّةِ وَهِيَ مَا يُقَالُ أَوْ يُفْعَلُ مُخَالِفًا لِلْحَقِّ لِأَجَلِ تَوَقِّي الضَّرَرِ.

تقیه گفتار یا کردار مخالف حق است به علت محفوظ ماندن از ضرر.

تفسیر المنار جلد : ۳ صفحه : ۲۳۱

«وفي الآية دليل» على مشروعية التقية وعرفوها بمحافظة النفس، أو العرض، أو المال من شر الأعداء، والعدو قسمان: الأول من كانت عداوته مبنية على اختلاف الدين كالكافر والمسلم، والثاني من كانت عداوته مبنية على أغراض دنيوية كالمال والمتاع والملك والإمارة.

و در آیه دلیلی است بر مشروعیت تقیّه و در تعریف آن گفته اند : صیانت از جان یا ناموس یا مال از شرّ دشمنان است. و دشمن دو قسم است یکی آنکه عداوت آشکار دارد در دین ، مانند کافر و مسلم و دیگری دشمنی است که عداوت آشکار دارد در مسائل دنیوی مانند مال و کالا و حکومت و فرماندهی.

تفسیر روح المعاني جلد : ۲ صفحه : ۱۱۷

- **دلائل ما بر مشروعیت تقیّه:**

۱. دلیل عقلی:

در مواقعی که خطری جان یا آبروی انسان را تهدید می‌نماید، عقل حکم می‌کند که به خاطر مصلحتی مهم‌تر و والاتر، شخصی، عقیده‌اش را اظهار نکند. (اشاره به قاعده عقلی تقدیم اهمّ بر مهم)

(مقاله) قاعده لطف (حسن رضایی)

استدلالی زیباتر در کلام حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه‌الله‌تعالی:

دلیل عقلی دیگر بر تقیه با مثالی زیبا:

حالت تقیّه به خود گرفتن چنانکه خواهیم دید معمولاً مخصوص اقلیت‌هایی است که در چنگال یك اکثریت نیرومند و زورگو (اکثریت کمی یا کیفی) گرفتار شوند و ببینند اظهار عقیده باطنی کردن آن هم به صورت نامنظم و پراکنده گذشته از این‌که هیچ‌گونه ثمره‌ای جز بیدار ساختن دشمن ندارد، نیروهای فعال و سازنده را تدریجاً به نابودی یا ضعف می‌کشاند و سرمایه‌هایی که برای این اقلیّت با توجه به نفرات کم آنها بسیار گران قیمت و پرارزش است به این ترتیب از میان می‌برد بدون این‌که هیچ‌گونه نتیجه مثبتی از آن گرفته شود.

آیا عقل و درایت و پایان‌نگری ایجاب نمی‌کند که این نیروها بدین گونه تباه نشوند بلکه با کتمان عقیده باطنی، نیروهای خود را ذخیره کنند تا در موقع لزوم و به هنگام نیاز و فرا رسیدن لحظات سرنوشت و فرصت‌های مناسب از آنها بطور مؤثر و قاطع بهره‌گیری کنند؟

مثال روشنی در این‌جا که می‌توان برای این موضوع ذکر کرد این است که در بسیاری از روستاها که چشمه‌های کوچکی وجود دارد هرگز مستقیماً آب چشمه را به زمین‌ها نمی‌فرستند زیرا آب چشمه در همان گام‌های نخستین تدریجاً در یك نقطه از زمین فرو می‌رود بدون آن‌که زراعت را تر کند، بلکه یك استخر بزرگ در کنار چشمه می‌سازند و راه خروج آب را از استخر به کلی مسدود می‌کنند؛ هنگامی که استخر پر شد روزنه وسیع آن را می‌گشایند و آب‌های ذخیره شده در استخر با سرعت و فشار در مدت کوتاهی زمین‌های وسیعی را می‌پوشاند و سیراب می‌کند در حالی که قبلًا تقریباً همه آب‌ها به هدر می‌رفت.

۲. دلیل نقلی بر مشروعیت تقیه (قرآن):

تقیه حضرت عمار رضوان الله تعالی علیه:

در سوره مبارکه نحل آیه ۱۰۶ می خوانیم:

مِنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

کسانی که بعد از ایمان کافر شوند -بجز آنها که تحت فشار واقع شده‌اند در حالی که قلبشان آرام و با ایمان است- آری، آنها که سینه خود را برای پذیرش کفر گشوده‌اند، غضب خدا بر آنهاست؛ و عذاب عظیمی در انتظارشان!

شأن نزول:

أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ حَمْدَانَ الْجَلَّابُ، بِهَمْدَانَ، ثنا هِلَالُ بْنُ الْعَلَاءِ الرَّقِّيُّ، ثنا أَبِي، ثنا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو الرَّقِّيُّ، عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: أَخَذَ الْمُشْرِكُونَ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ فَلَمْ يَتْرُكُوهُ حَتَّى سَبَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَذَكَرَ آلِهَتَهُمْ بِخَيْرٍ ثُمَّ تَرَكُوهُ، فَلَمَّا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا وَرَاءَكَ؟» قَالَ: شَرٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا تُرِكْتُ حَتَّى نِلْتُ مِنْكَ، وَذَكَرْتُ آلِهَتَهُمْ بِخَيْرٍ قَالَ: «§كَيْفَ تَجِدُ قَلْبَكَ؟» قَالَ: مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ قَالَ: «إِنْ عَادُوا فَعُدْ»

هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ وَلَمْ يُخْرِجَاهُ "K3362 - على شرط البخاري ومسلم

زمانی مشرکین عمار را گرفتند و آنقدر اذیتش کردند تا اینکه به نبی مکرم اسلام فحش داده و از بتها به خوبی یاد کرد. سپس، اندوهگین خدمت نبی مکرم اسلام رسید. حضرت فرمود: در قلب تو چه می گذرد؟ عمار گفت قلبم مطمئن به ایمان است. حضرت فرمودند: هر وقت دوباره تو را اذیت کردند تو چنان کن و آیا نازل شد که"إلا من أكره وقلبه مطمئن بالإيمان"

المستدرك على الصحيحين جلد : ۲ صفحه : ۳۸۹

و از شیعیان ، حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه الله می فرمایند:

گرچه در شأن نزول این آیه به نام افراد مختلفی مانند «عمار یاسر» و پدرش «یاسر» و مادرش سمیه و «صهیب» و «بلال» برخورد می‌کنیم، اما همه این ماجراها حکایت از یك چیز می‌کند و آن این‌که گاهی بعضی از مسلمانان در بیابان‌ها یا شهرهایی همانند مکّه که اکثریت آن را در آن زمان بت پرستان لجوج تشکیل می‌دادند گرفتار می‌شدند؛ دشمن به آن‌ها تکلیف کردکه صریحاً بگویند ما از ایمان خود به «محمّد» دست برداشته و از او متنفر و بیزاریم و نسبت به بتها وفا داریم و در غیر این صورت، آنها را تهدید به مرگ می‌کردند و جانشان در خطر بود. مخصوصاً در یکی از سفرها عمار یاسر به اتفاق پدر و مادرش که هر سه اسلام را با جان و دل پذیرفته بودند از منطقه نفوذ دشمن، عبور می‌کردند که با چنین صحنه‌ای روبه‌رو شدند.

پدر ومادر عمار مقاومت کردند و سرانجام کشته شدند، اما عمار آنچه را دشمن خواسته بود بر زبان جاری کرد و دست از سر او برداشتند، ولی ناگاه به خود آمد که‌ای وای بر من! نکند این اظهار بیزاری لفظی مرا از صفوف مسلمانان خارج ساخته باشد؛ مضطرب شد و چشمهایش مثل ابر بهار اشك فرو ریخت و گریه‌کنان به سوی پیامبر صلی الله علیه و آله شتافت.

در چنین موقع آیه فوق نازل شد و گفت: «هیچ کس حق ندارد بعد از ایمان آوردن به سوی کفر بازگردد (و چنین کسانی سرنوشت دردناکی دارند) مگر آنها که تحت فشار قرار گیرند و با زبان، سخنی برخلاف ایمان گویند اما قلبشان با ایمان راسخ، محکم باشد ...»

پیامبر صلی الله علیه و آله در این‌جا سخنی فرمود که مفادش این بود: «اما پدر و مادرت عجله کردند و بسوی بهشت شتافتند ولی تو هم کاری کردی که در اسلام مجاز بود؛ اگر باز با چنین صحنه‌ای روبه‌رو شدی، هر چه می‌خواهند بگو و جانت را حفظ کن (که به آن نیاز داریم) و این جریانات لطمه‌ای به ایمان تو وارد نخواهد ساخت».

📚تقیه صفحه : ١٢

نکته مهمی که در آیه حائز توجه است این که شخص متّقی قلبًا ایمان دارد اما در ظاهر تظاهر به کفر می کنند (به علت همان قاعده عقلی مذکور) و غضبی بر ایشان از جانب خداوند متعال وارد نیست.

به همین دلیل است که ابن عباس می فرماید:

إنَّمَا التقية بِاللِّسَانِ.

همانا تقیه به زبان است (و شخص قلبا مؤمن است)

📚الدر المنثور في التفسير بالمأثور جلد : ٢ صفحه : ١٧۶

آیه دیگر:

تقیه مؤمن آل فرعون:

در سوره مبارکه غافر آیه ٢٨ می خوانیم:

وقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ ۖ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ ۖ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ

و مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت (با فرعونیان) گفت: آیا مردی را به جرم اینکه می‌گوید: پروردگار من خداست می‌کشید، در صورتی که با معجزه و ادلّه روشن از جانب خدایتان برای (هدایت) شما آمده است؟! اگر او دروغگوست گناه دروغش بر خود اوست و لیکن اگر راستگو باشد از وعده‌های او بعضی به شما برسد (و همه هلاک خواهید شد) که خدا البته مردم مسرف (ستمکار) و دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد.

آیه دیگر:

در سوره مبارکه آل عمران آیه ۲۸ می خوانیم:

لا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او بکلی از خدا گسسته می‌شود)، مگر اینکه از آنها بپرهیزید (و به خاطر هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید.)»

تقیّه در روایات:

تقیه در نزد شیعه از مسلّمات است لذا نیازی به اثبات روائی نداریم ، ابن تیمیه می گوید:

...ومنها إيجابهم التقية...

از واجبات مذهب شیعیان تقیه است

رسالة في الرد على الرافضة صفحه : ۲۰

لذا از اثبات تقیّه در روایات شیعه بی نیازیم و تبرگا یک روایات ارائه می دهیم:

أبَا عَبْدِ اَللَّهِ عَلَيْهِ اَلسَّلاَمُ يَقُولُ: كَظْمُ اَلْغَيْظِ عَنِ اَلْعَدُوِّ فِي دَوْلَتِهِمْ تَقِيَّةً حَزْمٌ لِمَنْ أَخَذَ بِهِ وَ تَحَرُّزٌ عَنِ اَلتَّعَرُّضِ لِلْبَلاَءِ فِي اَلدُّنْيَا وَ مُغَالَبَةُ اَلْأَعْدَاءِ فِي دَوْلَتِهِمْ وَ مُمَاظَّتُهُمْ فِي غَيْرِ تَقِيَّةٍ تَرْكُ أَمْرِ اَللَّهِ فَجَامِلُوا اَلنَّاسَ يَسْمَنْ ذَلِكَ لَكُمْ عِنْدَهُمْ وَ لاَ تَجْعَلُوهُمْ عَلَى رِقَابِكُمْ فَتُعَادُوهُمْ.

امام صادق علیه السّلام فرمود:فرو خوردن خشم از دشمن در زمان دولت و اقتدار آنها تقیّه و احتیاطی است برای فرد دور اندیش،و جلوگیری از بلاست در دنیا،و مخاصمه نمودن با دشمن و دشنام دادن به آنها بدون تقیه؛ترک نمودن دستور خداست،پس با مردم مدارا کنید تا عمل شما نزد آنان بزرگ و فربه شود،و کاری نکنید که آنها بواسطهٔ دشمنی کردن شما با آنها بر گردن شما سوار شوند.

مشكاة الأنوار في غرر الأخبار ج ۱، ص ۶۷

روایات اهل سنت درمورد تقیّه:

عليٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: " إِنَّكُمْ سَتُعْرَضُونَ عَلَى سَبِّي فَسُبُّونِي، فَإِنْ عُرِضَتْ عَلَيْكُمُ الْبَرَاءَةُ مِنِّي، فَلَا تَبَرَّءُوا مِنِّي، فَإِنِّي عَلَى الْإِسْلَامِ، فَلْيَمْدُدْ أَحَدُكُمْ عُنُقَهُ، ثَكِلَتْهُ أُمُّهُ، فَإِنَّهُ لَا دُنْيَا لَهُ وَلَا آخِرَةَ بَعْدَ الْإِسْلَامِ، ثُمَّ تَلَا {إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ} [النحل: ۱۰۶]

«صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخْرِجَاهُ» K3365 - صحيح

حضرت علی (ع): بعد من در معرض سب من قرار می گیرید، من را سب کنید ، اما اگر گفتند که از من برائت جویید، این کار را نکنید چون من قطعا من بر اسلام هستم. اگر برائت از من عارض شد، گردن خود را جلو آورید. کسی که از من برائت جوید دنیا و آخرتی ندارد.

المستدرک علی الصحیحین جلد : ۲ صفحه : ۳۹۰

تقیّه پیامبر (ص):

۱۲۶ - حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، عَنْ إِسْرَائِيلَ، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنِ الأَسْوَدِ، قَالَ: قَالَ لِي ابْنُ الزُّبَيْرِ، كَانَتْ عَائِشَةُ تُسِرُّ إِلَيْكَ كَثِيرًا فَمَا حَدَّثَتْكَ فِي الكَعْبَةِ؟ قُلْتُ: قَالَتْ لِي: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " يَا عَائِشَةُ §لَوْلاَ قَوْمُكِ حَدِيثٌ عَهْدُهُمْ - قَالَ ابْنُ الزُّبَيْرِ - بِكُفْرٍ، لَنَقَضْتُ الكَعْبَةَ فَجَعَلْتُ لَهَا بَابَيْنِ: بَابٌ يَدْخُلُ النَّاسُ وَبَابٌ يَخْرُجُونَ " فَفَعَلَهُ ابْنُ الزُّبَيْرِ

از اسود روایت است که گفت : ابن زبیر به من گفت: عایشه رضي الله عنها، سخنان پنهانی زیادی به تو می گفت. درباره کعبه به تو چه گفته است؟ گفتم : وی به من گفته که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفته بود: ای عایشه، اگر قوم تو تو عهد (نزدیک به دوران جاهلیت) نمی بود. ابن زبیر به اسود گفت: اگر نزدیک به کفر نمی بود - کعبه را از نو بنا می کردم و برآن دو دروازه می نهادم . تا مردم از دروازه ای داخل شوند و از دروازه دیگر خارج گردند.» و ابن زبیر چنان کرد.

صحیح البخاری صفحه : ۳۷

- مسلّمًا تقیّه با اکراه و در شرائط اضطرار است و در روایات اهل سنت می خوایم که:

2043 - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ الْفِرْيَابِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ سُوَيْدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ الْهُذَلِيُّ، عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ، عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ تَجَاوَزَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ، وَالنِّسْيَانَ، وَمَا اسْتُكْرِهُوا عَلَيْهِ»

همانا خداوند خطا و فراموشی را از امت من برداشته است و نیز آنچه که برآن اکراه (اجبار) بشوند.

سنن ابن ماجه صفحه : ۶۵۹

تقیّه ابی درداء:

ويُذْكَرُ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ: «إِنَّا لَنَكْشِرُ فِي وُجُوهِ أَقْوَامٍ، وَإِنَّ قُلُوبَنَا لَتَلْعَنُهُمْ»

از ابی درداء یاد شده که گفت: ما به روی گروهی مردم می خندیم و دلهایمان ایشان را لعنت می کند.

صحیح بخاری جلد : ۸ صفحه : ۳۱

و علمای زیادی از اهل سنت مشروعیت تقیّه را صراحتًا یا به طور غیر مستقیم بیان کردند که برای نمونه یک قول نووی را ضمیمه می نمائیم:

وقَدِ اتَّفَقَ الْفُقَهَاءُ عَلَى أَنَّهُ لَوْ جَاءَ ظَالِمٌ يَطْلُبُ إِنْسَانًا مُخْتَفِيًا لِيَقْتُلَهُ أَوْ يَطْلُبُ وَدِيعَةً لِإِنْسَانٍ لِيَأْخُذَهَا غَصْبًا وَسَأَلَ عَنْ ذَلِكَ وَجَبَ عَلَى مَنْ عَلِمَ ذَلِكَ إِخْفَاؤُهُ وَإِنْكَارُ الْعِلْمِ بِهِ وَهَذَا كَذِبٌ جَائِزٌ بَلْ وَاجِبٌ لِكَوْنِهِ فِي دَفْعِ الظَّالِمِ.

علما اجماع دارند که اگر ظالمی نزد انسان آمد و از وی محل شخصی مخفی شده را به پرسد تا او را به قتل برساند، یا در مورد محل امانتی سؤال کند تا آن را غصب نماید، واجب است کسی که محل آن را می‌داند، آن را مخفی کرده و بگوید آن را نمی‌دانم؛ و این از مواردی است که دروغ در آن جایز و بلکه واجب است؛ زیرا با این کار شخص ظالمی را مانع شده است.

شرح النووي على مسلم جلد : ۱۵ صفحه : ۱۲۴

- **أشكال تقیه:**

«چون تقیه از عناوینی است که در ارتباط با متقی (تقیه کننده) و متقی منه (شخص و یا اشخاصی که از آنها تقیه شده) و متقی فیه (امری که از آن تقیه شده است) می‌باشد، به حسب این امور و ذات آن، به اقسامی تقسیم می‌شود:

الف ـ به لحاظ ذات تقیه به «خوفی»، «مداراتی» «کتمانی» و «اکراهی» تقسیم می‌شود.

۱. تقیه خوفی نیز گاهی به سبب ورود ضرر به جان یا آبرو و یا مال متقی و وابستگان او است و گاهی به سبب احتمال وقوع ضرر بر افراد دیگر از مؤمنان است و گاهی هم به سبب احتمال وقوع ضرر بر کیان اسلام است؛ مثلاً ترس از اختلاف و تفرقه مسلمان‌ها، سبب تقیه می‌شود.

۲. تقیه مداراتی عبارت است از جلب دوستی مخالف، به سبب وحدت کلمه، بی آنکه ضرری از سوی او، شخص را تهدید کند.

۳. تقیه کتمانی، تقیه‌ای است که به خودی خود دارای ارزش است و در برابر افشای سرّ قرار دارد.

۴. اما تقیه اکراهی که بحث آن در مکاسب محرّمه آمده، عبارت از تقیه‌ای است که ضرورت و اضطرار، سبب آن می‌شود.

ب ـ تقیه به لحاظ فرد تقیه کننده، دو گونه تقسیم می‌شود: گاهی تقیه کننده، فردی عادی است و گاهی از افراد سرشناس است؛ مانند پیامبر (اگر تقیه برای او روا باشد) و ائمه (ع) و فقها و مانند آنها، حکم تقیه در هریك از این دو مورد، تفاوت دارد.

ج ـ تقیه از جهت افرادی که از آنها تقیه می‌شود، چند قسم است: تقیه از کفار، حکمرانان اهل سنت، فقها و قضات اهل سنت، مردم عادی از اهل سنت و سلاطین یا مردم عادی شیعه.

د ـ تقسیم تقیه به لحاظ فعلی که تقیه در آن انجام می‌گیرد، بدین صورت است:

«فعل حرام، ترك واجب، ترك شرط، ترك جزء، انجام فعلی که مانع و یا قاطع است و یا عملی که طرف مخالف، عقیده به حجیّت آن دارد».

الرسائل (امام خمینی قدس سره)جلد : ۲ صفحه : ۱۷۴

- **احکام خمسه تقیه:**

۱. اما تقیه واجب، اگر فعل متقی به از اموری است که شرع مقدس بر آن الزام کرده و فرموده است واجب است آن را رعایت کنید. در این صورت، هر امری که موجب انجام گرفتن يك فعل الزام آور باشد، آن فعل هم بر ما واجب است، مثلاً حفظ جان ما واجب است. حال اگر حفظ جان متوقف است بر این که نماز را متکتفاً (دست بسته) بخوانیم یا فلان عمل را بر طبق نظر مخالفان انجام دهیم، قهراً آن فعل هم واجب می‌شود چون «مالایمکن و مالم‌یتحصّل الواجب الا به» آن‌هم واجب است.

۲. اما درباره تقیه مستحب، این مثال را می‌توان زد که در مسجد الحرام پشت سر عامی نماز به جماعت خوانده شود. کسی که در این نماز جماعت شرکت کنید مطابق برخی روایات، گویا پشت سر پیامبرصلی الله علیه وآله به نماز ایستاده است. اینجا تقیه مداراتی هست و مُرجح دارد. لذا مستحب است.

۳. اما تقیه مباح، تقیه مباح آنست که هم می‌توانید تقیه بکنید و هم تقیه نکنید؛ مثل اقسام روایاتی که در باب احکام تقیه مداراتی وارد شده است. تقیه مداراتی رعایتش واجب نیست، مانند این که می‌توانید در نماز جماعت مسجد الحرام پشت سر عامی شرکت کنید و نیز می‌توانید در خانه نماز را بخوانید. البته نکته شایان ذکر این که اگر ولیّ امر به حکم ثانوی حکم کرد که در خانه نماز نخوانید باید در جماعت شرکت کرد. اینجا حکم حکومتی است و رعایت او لازم است.

۴. تقیه مکروه: مثلاً امیرالمؤمنین‌علیه السلام در بالای منبر فرمودند زود باشد شما را مجبور کنند که مرا سبّ بکنید. اگر شما را مجبور کردند مرا سبّ کنید، و زود باشد که به شما امر کنند که از من تبرّی جویید (کانّه بگویید علی با اسلام سروکار ندارد) «و إنّي أشهد أن لا اله إلا الله و أشهد أنّ محمداً رسول الله...». در این

صورت برخی از فقها فرموده‌اند نباید برائت بجویید و حتماً باید تاپای جان بایستید؛ اما برخی از فقها معتقدند چون امیرالمؤمنین‌علیه السلام بین سبّ و برائت تفصیل قائل شده‌اند از این تفصیل معلوم می‌شود که این تقیه مورد پسند امیرالمؤمنین نیست و این‌جا نباید از امیرالمؤمنین برائت بجوییم و لو حرمت از آن استفاده نشود.

۵. تقیه حرام: در روایات آمده است که همه جا تقیه هست إلاّ در دم(خون) اگر پای خون مسلمان به میان آمد تقیه حرام است و نباید مسلمانی دست خود را به خون مسلمان دیگر آلوده کند هر چند به کشتن خودش منجر شود.

یا در بعضی از روایات آمده که «إلاّ المسح علی الخفین»؛ اگر شما ناچار شدید به این که روی کفش مسح کنید نه به بشره پا، در این صورت نباید تقیه بکنید. چون نماز بالاترین سمبل عبودیت خداست. حال اگر بنا باشد از اهمیت بیفتد به حدّی که انسان بخواهد روی کفشی که معلوم نیست از پوست حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت مسح کند، در این صورت تقیه جایز نیست، و یا در برخی روایات درباره شرب نبیذ آمده که در حال تقیه جایز است ولی کراهت دارد.

علوم سیاسی (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) جلد : ۲۵ صفحه : ۷

به تعبیر صحیح تر تقیه‌ی مدارائی، چون هر گاه یاء نسبت بر کلمه‌ی وارد شد، حرف التأنیث حذف می شود و لذا می گویند مدارائی.

درس خارج فقه آیت الله سبحانی

کتاب الصلوة/۰۶/۱۱/۸۸

- **پاسخ به شبهات درباره تقیه:**

۱.تقیه بدعت شیعیان است!

پاسخ:

معنای بدعت:

وأقول البدعة في الشرع ما حدث بعد الرسول صلى الله عليه و آله ولم يرد فيه نص على الخصوص ، ولا يكون داخلا في بعض العمومات أو ورد نهي عنه خصوصا أو عموما فلا تشمل البدعة مادخل في العمومات.

بدعت در دین این است : هر امری بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در دین ایجاد شود و هیچ دلیل خاصی برای آن نباشد و داخل در برخی دلیل های عام هم نباشد یا وارد شده باشد نهی از آن به طور عام یا خاص ، پس بدعت شامل چیزی که در عمومات شده است ، نمی شود.

بحار الأنوار جلد : ۷۴ صفحه : ۲۰۲

ما مشروعیت تقیه را ثابت کردیم پس کسی نمی تواند ادعا کند این عمل در دین وارد نشده و بدعت است

۲.تقیه موجب بی اعتمادی به کلام امام می شود؛ زیرا درباره هر فرمایش امام احتمال تقیه بودن می رود و از باب قاعده اذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال به هیچ یک از گفتار و رفتار ائمه نمی توان استدلال کرد.

جواب این است که : اگر بگوییم موارد تقیه ی امام بدون ضابطه و قانون بوده است، این شبهه وارد است، اما اگر بتوانیم ضوابط و علل تقیه ی امامان را با استفاده از سیره و گفتار آنها کشف بکنیم و آنها را اعمال نماییم، این شبهه منتفی می شود. از سوی دیگر،

اصل اولی در اقوال و رفتار معصومان (ع)، عدم تقیه است. پس در مواردی که شک در تقیه داریم، کلام آنها را بر غیر تقیه حمل می کنیم.

تقیه در سیره معصومین علیهم السلام(علی بخشی)

۳.تقیه معصومان با فلسفه وجودی آنها که تبیین احکام الهی است، منافات دارد .

پاسخ: اولا: فلسفه وجودی ائمه (ع) منحصر در تبیین احکام شرعی نمی باشد، بلکه افزون بر آن، برکات و الطاف بسیاری شامل حال همگان می شود، از جمله اینکه آنها واسطه فیض میان خدا و مخلوقاتند. ثانیا: ائمه در هر زمان و مکان و شرایطی نسبت به بیان حقایق و معارف فرو گذاری نمی کردند، هرچند به جهت فراهم نبودن شرایط در برخی از زمان ها و مکان ها ممکن است بعضی از احکام بیان نشود، این نقض متوجه قابلیت قابل است نه فاعلیت فاعل. ثالثا: از نظر شیعه، تقیه در رابطه با اصول اساسی اسلام روا نیست.

همان

- **نکاتی ارزشمند درمورد تقیّه:**

تقیّه سنت پیامبران مجاهد:

امام صادق علیه السلام:عَلَيْكَ بِالتَّقِيَّةِ فَإِنَّهَا سُنَّةُ إِبْرَاهِيمَ اَلْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلاَمُ

بر تو باد تقیّه زیرا آن سنت ابراهیم خلیل علیه السلام است.

معانی الأخبار صفحه : ۳۸۵

هر کس هر اندازه از تاریخ بی‌خبر باشد، این مطلب حتماً به گوشش خورده که ابراهیم علیه السلام کسی بود که یك تنه با نمرود جبار مبارزه کرد نه تنها با او بلکه با متعصبان لجوج که در برابر انواع بت‌ها سجود می‌کردند نیز درگیر شد و همه را با منطق کوبنده و شجاعت بی‌نظیر خود به زانو در آورد.

آیا هیچ‌کس می‌تواند نسبت سازشکاری و مصلحت بینی‌های تخدیری را به ابراهیم علیه السلام بدهد؟

بنابراین از این‌که می‌بینیم تقیّه به عنوان سنت ابراهیم معرفی شده همه چیز را می‌توانیم در توضیح مفهوم آن بفهمیم.

تقیه صفحه : ۱۵

مؤمن بدون تقیّه!

مؤْمِنٍ لاَ تَقِيَّةَ لَهُ كَمَثَلِ جَسَدٍ لاَ رَأْسَ لَهُ

مثل انسان با ایمانی که تقیّه را کنار بگذارد، همانند بدنی است که سر نداشته باشد.

وسائل الشیعة ج ۱۶، ص ۲۲۲

عین این تعبیر درباره «صبر و استقامت و پایداری» نیز آمده است که «ایمان بدون استقامت و صبر همچون بدن بی‌سر است».

از شباهت این دو تعبیر با هم می‌فهمیم که تقیّه همان فلسفه صبر و استقامت و پایمردی در برابر دشمن را دارد «سر» فعال‌ترین عضو پیکر و پرکارترین قسمت‌های بدن انسان و حساس‌ترین بخش وجود هر کس است، و به تعبیر دیگر، سر نگاهدارنده تمام دستگاه‌های بدن و ضامن بقای فعالیت‌های آنهاست.

روش تقیّه نیز به خاطر ذخیره کردن نیروها؛ سبب نگاهداری يك جمعیّت و بقا و دوام آنها در برابر حملات دشمن است.

همان

- **تناسب تقیّه با شرائط:**

بر اساس منطق شیعه،تقیه در شرایطی واجب، ولی در برخی شرایط نیز حرام است، و انسان در آن شرایط نباید به بهانه اینکه جان و مال وی به خطر می افتد تقیه کند. گروهی تصور می کنند که شیعه مطلقاً تقیه را واجب می داند، در حالیکه این تصور غلط بوده و روش پیشوایان شیعه هرگز چنین نبوده است. زیرا آنان با در نظر گرفتن شرایط و رعایت مصالح و مفاسد، در هر زمان راهی خاص و مناسب را انتخاب می کردند و لذا می بینیم که گاه تقیه نکرده و جان ومال خود را در راه اظهار عقیده فدا می کردند.

منشور عقاید امامیّه صفحه : ۲۲۷

مآخذ:

تقیّه /حضرت آیت الله العظمی مکارم حفظه‌الله

اعتقاد ما / همان

مشروعیت تقیه و احکام آن از منظر مذاهب اسلامی / محمدصادق محسن زاده

تقیه در سیره معصومین علیهم السلام / علی بخشی

قاعده تقیّه / حسن رضایی

سایت حضرت ولیعصر (عج)

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ العَن صَنَمَی قُرَیشٍ وَ جِبتَیها وَ طاغُوتَیها وَ إفکَیها وَ إبنَتَیهِما اللَّذینَ خالَفا أمرَک وَ أنکَرا وَحیَک وَ جَحَدا إنعامَک وَ عَصَیا رَسُولَک وَ قَلَّبا دینَک وَ حَرَّفا کِتابَک وَ أحبا أعداءَک وَ جَحَدا آلاءَک وَ عَطَّلا أحکامَک وَ أبطَلا فَرائِضَک وَ ألحَدا فِی آیاتِک وَ عادَیا أولیاءَک وَ والَیا أعداءَک وَ خَرَّبا بِلادَک وَ أفسَدا عِبادَک.

و من الله التوفیق

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

#پایان



"گروه آوردگاه اندیشه ها"

https://t.me/Avardgahe_andisheha